



ارائه مطالب این هفته گروه آموزش پژوهی توسط:
آقای محمد آزین
 مدیرعامل موسسه مطالعات راهبردی تعلیم و تربیت برهان،
 معاون آموزشی مجتمع سراج



موضوع:

مدرسه وحدت گرا

به نام پروردگار

سلام خدمت همکاران گرامی

انشاء الله از امروز با مطالبی با موضوع معرفی الگوی مجتمع آموزشی سراج در خدمت بزرگواران خواهیم بود.

ضمن تشکر از عزیزانی که در هفته‌های گذشته تجربیات مدرسه خود را در اختیار گروه گذاشتند.

و تشکر ویژه از جناب آقای مجیدی هم بابت گزارش بسیار مفید و کاربردی‌شان و هم بابت کمک‌های بسیاری که در طراحی و اجرای الگوی مدرسه سراج داشتند.

در این هفته همکاران ما در مدرسه سراج آقایان فرضی @R_Farzi، پورندیم و رضایی @mehdirezaee ما را همراهی خواهند کرد.



آنچه از غرب بعنوان علوم انسانی آمده کم نیست.
 زلزله ای که آمده کوچک نیست.
 دیواری که بر سر ما فرو ریخته بسیار سنگین است.
 ما جامعه زلزله زده ای هستیم از نظر فرهنگی مخصوصاً از نظر جامعه شناسی و شناخت.
 ما باید از زیر این سنگ ها بیرون بیاییم تا بتوانیم قرآن را بفهمیم و قرآن را بپذیریم.
 ما باید به خیلی از طغوت ها کفر بورزیم تا زمینه ایمان به الله در ما تقویت شود: «...فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ».
 ما باید به طغوت فرهنگی، کفر پیدا کنیم
 فرهنگی که می خواهد به ما شک در فطرت،
 شک در ذاتیات انسان،
 شک در آگاهی انسان،
 شک در عقل،
 شک در جهت یابی را تزریق کند، کفر بورزیم.
 کفر به این طغوت مقدمه ایمان به خداست است.

(برگرفته از کتاب اخلاق اسلامی – آیت الله حائری شیرازی)

در طراحی یک نظام آموزشی می توان دست کم یکی از سه رویکرد زیر را برگزید:

۱- آغاز از مبانی نظری و تلاش برای بنا کردن نظام آموزشی مبتنی بر این مبانی از ابتدا.

۲- آغاز از مسایل و چالش های نظام آموزشی فعلی و تلاش برای یافتن پاسخی متناسب با مبانی مورد نظر.

۳- روبرو شدن با مسایل و چالش های نظام آموزشی با رویکردی انتقادی و اتخاذ مسیری متفاوت برای اجتناب از این چالش ها بدون در نظر گرفتن مبانی نظری مشخص.

در برخی موارد در حوزه تعلیم و تربیت یعنی در مدرسه ها، مساجد، رسانه، کانون های تربیتی و غیره رویکرد سوم اتخاذ می گردد و تلاش می شود با اتخاذ رویکرد سعی و خطا و استفاده از گزاره های پراکنده و بدون مبنای مشترک روش های تعلیم و تربیت تولید گردد.

رویکردی که در طراحی الگوی مدرسه سراج مدنظر قرار دارد، تمرکز بیشتر بر موارد اول و دوم و استفاده هم زمان از این دو رویکرد برای طراحی و توسعه الگوی مدرسه داری است.

طراحی و توسعه الگوی مدرسه سراج به عنوان یک پروژه مستمر توسط کارگروه مربوطه مستقر در مجتمع هدایت می شود و همواره در حال تکمیل و اصلاح است.

برای شروع بحث امروز پرسش‌هایی را از دو منظر طرح خواهیم کرد:

۱- پرسش‌های مربوط به مبانی شناختی شامل چهار دسته: هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی. این دسته از پرسش‌ها به اتخاذ مبنایی دقیق‌تر در ارتباط با رویکرد اول کمک خواهند کرد.

۲- پرسش‌های مربوط به نظام آموزشی و چالش‌های مهم آن. این دسته از پرسش‌ها به شروع از مسایل و چالش‌های کلیدی‌تر در اتخاذ رویکرد دوم کمک خواهند کرد.

مشارکت دوستان در پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها یا دست‌کم تفکر بر روی پاسخ آن‌ها به غنی شدن بحث کمک خواهد کرد.

پرسش‌های مربوط به هستی‌شناسی

- هدف از آفرینش عالم چه بوده؟
- مبدا و معاد عالم هستی چیست؟
- قوانین و سنت‌های حاکم بر عالم هستی ثابت است یا متغیر؟
- مراتب نظام هستی چیست و ارتباط اجزای این عالم با یکدیگر چگونه است؟

پرسش‌های مربوط به انسان‌شناسی

- ماهیت انسان چیست؟
- ابعاد اصلی وجودی انسان چیست؟
- آیا یکی از ابعاد وجود انسان بر دیگری برتری دارد؟
- سعادت انسان چیست؟
- هدف‌غایی انسان در زندگی چیست؟
- نقش انسان در عالم هستی چیست؟



پرسش‌های مربوط به معرفت‌شناسی

- آیا حقیقتی خارج از ذهن انسان وجود دارد؟
- آیا شناخت حقیقت برای انسان امکان‌پذیر است؟
- معرفت چیست؟
- انواع معرفت چیست؟
- شناخت فطری چگونه است و رابطه آن با توحید چیست؟

پرسش‌های مربوط به ارزش‌شناسی

- ارزش‌های مطلق هستند یا نسبی؟
- آیا ارزش‌ها منشأ مشترک دارند؟
- ارزش‌ها اعتباری هستند یا حقیقی؟
- ریشه ارزش‌های انسانی در کجاست؟
- معیار ارزش‌گذاری چیست؟

پرسش‌های فوق، نمونه پرسش‌هایی هستند برای تفکر بیشتر و توجه به این مهم که پیش‌فرض‌های مبنایی ما بر اصول و روش‌های آموزشی تاثیرگذاری بسیار جدی و غیرقابل انکار دارند.

البته قصد نداریم در این جا به مباحث فلسفی پردازیم، بلکه صرفاً توجه به اهمیت مبنایی در طراحی نظام آموزشی مدنظر قرار دارد.

امشب به یاری خدا و در ادامه بحث تعدادی مساله کلیدی در رابطه با نظام آموزشی را طرح خواهیم کرد.

مسائل مربوط به نظام آموزشی هم در چند بخش قابل بررسی است که به اختصار به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود



پرسش‌های مربوط به نظام آموزشی و چالش‌های آن

ناظر به اهداف سیستم

- هدف تعلیم و تربیت چه باید باشد؟
- هدف تعلیم و تربیت در نظام‌های آموزشی مدرن چیست؟
- هدف تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران چیست؟
 - اسناد بالادستی
 - عرف و عمل

ناظر به خروجی سیستم

- عدم کسب مهارت خودشناسی و مدیریت خود
- عدم کسب مهارت‌های کسب و کار برای پسران
- ناسازگاری با هنجارهای فرهنگی جامعه
- ناتوانی در تولید علم و فناوری
- عدم تقویت مراتب ایمان
- عدم کسب مهارت‌های زندگی
- ناامیدی نسبت به کشور و تمدن اسلامی
- با توجه به صرف هزینه ۳۰ هزار میلیارد تومانی خروجی این سیستم چیست؟

درخواست من از همه عزیزان این است که این فهرست مسایل را کامل‌تر کنند و مسایلی که به نظرشان را می‌رسد را برای بنده یا همکاران بفرستند.

فکر کردن بر روی این مسایل، ذهن را برای ارائه راه‌حل‌های بومی و کارآمد آماده می‌کند.

نظر دوستان را به دو مورد از بیانات عمومی رهبری معظم انقلاب درباره آموزش و پرورش جلب می‌کنم.



آموزش و پرورش بیت الغزل مسایل بعد از انقلاب است.

رهبر فرزانه انقلاب



نظام آموزشی ما نظام فرسوده و قدیمی و کهنه‌ای است. این را ما از اروپایی‌ها گرفتیم، همین‌جور نگهش داشتیم، مثل یک چیز موزه‌ای مقدس که دست به آن نخورد! هرگاه یک‌باری گوشه‌کنارش را یک کمی کم و زیاد کردیم؛ نظام، نظام کهنه‌ای است؛ باید نوسازی بشود. همین طرح تحول، این یک گامی است در این راه؛ خوب است لکن این را من می‌خواهم بگویم، برای نوسازی نظام آموزش و پرورش، ما باز نگاه نکنیم به دست دیگران، ببینیم حالا در فلان کشور اروپایی چه اتفاقی افتاده، ما هم همان را رونویسی کنیم. نه آقا، صاحبان فکر بنشینند – البته از تجربه‌ها خوب است استفاده کنند – خودشان طراحی کنند، نظام نوین را طراحی کنند.

مقام معظم رهبری - ۹۵/۲/۱۳



رهبر فرزانه انقلاب

برای ایجاد یک تمدن اسلامی – مانند هر تمدن دیگر – دو عنصر اساسی لازم است:

یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان

آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته

فکر ما و برنامه‌های ما و فلسفه ما نیست،

بنای کار بر آن فلسفه‌ای نبود که ما امروز دنبال آن فلسفه هستیم.



آیا این نوع نقد مبنایی نسبت به نظام آموزشی حاکی از ویران بودن این بنا از پای‌بست نیست؟

نقش ما به عنوان فعالان آموزشی در پاسخ‌گو بودن نسبت به این مطالبات رهبری چیست؟

برای جبران فاصله میان وضعیت موجود و مطلوب نظام آموزشی چه باید کرد؟ آیا اساساً می‌تواند کاری کرد یا مانند برخی باید بر طبل ناامیدی نواخت؟

**میان وضعیت موجود و
وضعیت مطلوب فاصله‌ای
عمیق وجود دارد.**



به یاری خدای مهربان فردا به بیان مبانی نظری الگوی مدرسه وحدت‌گرا خواهیم پرداخت.

روز سه‌شنبه را به نتیجه‌گیری از مبانی نظری برای طراحی الگوی مدرسه اختصاص خواهیم داد.



روز چهارشنبه به بحث و گفتگو در گروه و شنیدن پرسش‌های عزیزان اختصاص خواهد داشت.

روز پنج‌شنبه به معرفی برخی تکنیک‌های طراحی برنامه درسی و ارزشیابی و همچنین معرفی چند فعالیت وحدت‌گرا خواهیم پرداخت و این موضوع روز جمعه نیز ادامه خواهد داشت.

عزیزان می‌توانند نظرات ارزنده خود را از طریق mohammadazin@ با بنده در میان بگذارند.

به عنوان اولین مطلب امروز، دوشنبه، پاسخ جناب آقای قاسمی به بحث مطرح شده را این‌جا قرار می‌دهم.

برخی از دوستان هم نظرات خود را در روز چهارشنبه طرح خواهند کرد.

قاعداً تا پاسخ به این سوالات نیازمند مباحثه و گفتگوی حضوری است و در این مختصر نمی‌گنجد. ولی حسب شرکت در بحث مباحثی را تقدیم میکنم.

در حوزه انسان‌شناسی:

مهمترین بحث در این حوزه «خودشناسی» یا همان «معرفت النفس» است. البته معرفت نفس با خودآگاهی متفاوت است که اولی ناظر به شناخت انسان بما هو انسان است و دومی مربوط به خصوصیات شخص متعین بیرونی است.

شاید یکی از مهمترین منابع در این زمینه کتاب ارزشمند «رسالة الولاية» از مرحوم علامه طباطبایی می‌باشد که به اذعان شاگردانشان (علامه حسن زاده آملی و آیت الله جوادی آملی) برترین اثر علامه می‌باشد. (شادی روحشان حمد در معیت صلوات)

من باب اهمیت بحث هم چند حدیث نورانی از اهل بیت علیهم السلام:

- معرفة النفس أنفع المعارف

- أترعم أنک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر

- من عرف نفسه فقد عرف ربه

تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

علامه طباطبایی در کتاب رسالة الولاية می‌فرماید: نزدیک‌ترین راهها برای رسیدن به مقصود، همانا روش معرفت النفس است.

در جای دیگری از کتاب می‌فرماید: من خود از برخی اساتید و مشایخم شنیدم هنگامی که از ایشان سوال شد: چرا طریق معرفت النفس با اینکه نزدیک‌ترین راهها برای رسیدن به خداست، در شرع، مبین بیان و تبیین نگشته است؟ استادشان (احتمالاً آیت الله سید علی قاضی) فرمودند: «کدام بیان و مطلب در شرع هست که به این مقصد نخواند و شرح و توضیح این راه نباشد؟»

در حوزه هستی‌شناسی:

تمام سوالات در باب هدف آفرینش، مبدا و معاد، توحید (و اقسام آن)، مراتب هستی و ... به بهترین و زیباترین شکل ممکن به وسیله معرفت النفس قابل فهم است.

شاید هم به همین دلیل است که ملاصدرا علیه الرحمه در جلد ۸ و ۹ اسفار به همین موضوع می‌پردازد و این قبیل سوالات را با خودشناسی پاسخ می‌دهد.



در رابطه با حوزه هستی شناسی و انسان شناسی کتاب بی نظیر «مبانی نظری و عملی تزکیه» یا همان «مقالات» اثر مرحوم آیت الله محمد شجاعی بسیار راهگشا است. (شادی روحشان حمد در معیت صلوات)

در این حوزه توجه به منابع و ابزارهای شناخت بسیار ضروری است:

۱. حواس پنجگانه که محسوسات را درک میکند

۲. عقل که معقولات را درک میکند

۳. قلب که غیبات را کشف میکند و مهمترین منبع شناخت است.

در حوزه معرفتی:

به نظرم یکی از مهمترین سوال در این حوزه این است که ما می خواهیم به تربیتی (دانش آموز) «اطلاعات» معرفتی - دینی بدهیم یا می خواهیم این مباحث برای تربیتی به حالت «ملکه» تبدیل شود؟

به عبارت دیگر به دنبال تربیت انسان های «دین دان» (بخوانید شیطان) هستیم یا تربیت انسان های «دین دار» (بخوانید امیرالمومنین ع)؟

به دنبال «خدادانی» متربیان هستیم که از طریق منبع عقل حاصل می شود یا به دنبال «خداداری» آنها هستیم که از طریق منبع قلب حاصل می شود؟

کتاب «آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود» از استاد طاهرزاده می تواند در این زمینه راهگشا باشد.



**یکی از علت های مهم
فاصله داشتن از وضع
مطلوب، عدم تعامل
مناسب اهل نظر و عمل
در نظام تعلیم و تربیت
است.**

بهر
borhanedu.ir

مباحث امروز به بیان مبانی نظری الگوی مدرسه وحدت گرا اختصاص خواهد داشت.

همان گونه که بیان شد، رویکرد ما در طراحی این الگو شامل دو حرکت است:

۱- حرکت از سوی مبانی به سوی طراحی الگوی آموزشی

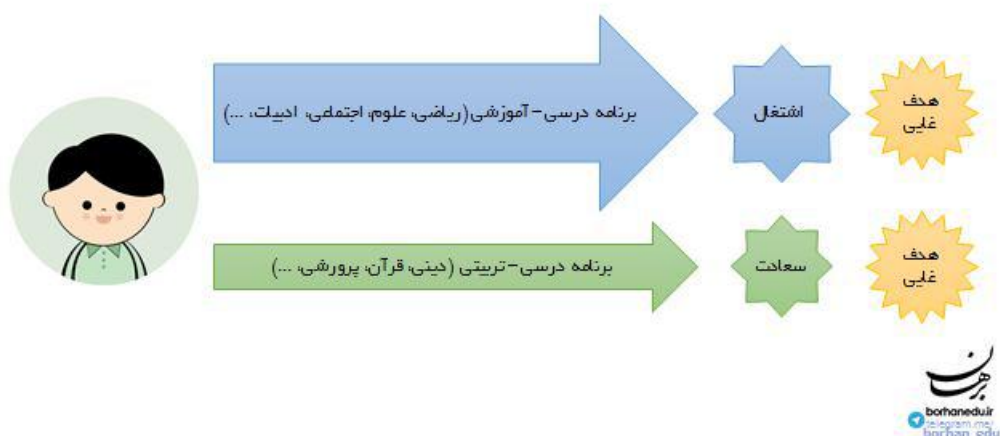
۲- حرکت از سوی مسایل نظام آموزشی و عرضه این مسایل به مبانی نظری



بنابراین در مباحث امروز از یک سو گریزی به برخی از مسایل اصلی نظام آموزشی می‌زنیم و از سوی دیگر برخی از گزاره‌های فلسفی تعلیم و تربیت را مرور خواهیم کرد.

در ادامه بحث دیروز، به برخی دیگر از مشکلات نظام آموزشی می‌پردازیم.

هدف‌هایی غایی موازی در برنامه درسی



در نظر گرفتن دو هدف غایی برای یک فرآیند ممکن نیست.

در نظام آموزشی ما و بسیاری از مدارسی که دغدغه تربیت دینی دارند، این دو هدف غایی هم‌زمان دنبال می‌شوند.

ان شاء الله در بحث مبانی نظری، بیشتر به این مورد خواهیم پرداخت.



مسئله‌ی دیگر، عدم نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در امر آموزش و تربیت است.



مدرسه یا
کارخانه جوجه‌کشی؟
تفاوت‌ها
هویت و مسخ شدن و بردگی
مساله این است!!



در نظر نگرفتن تفاوت های افراد و از بین رفتن هویت واحد آن ها، بخش دیگری از این کلاف سردرگم است.

تخصص گرایی آری یا خیر؟

- آیا کسی که از بردن اسمش، بدون پسوند دکتر، ناراحت می شود، هویت خود را محدود به تخصص اش نکرده است؟
- آیا استعدادپروری ای که امروز مطرح است، هویت فرزندان ما را محدود به خود نمی کند؟
- آیا ما نیز با استعدادپروری، هویت فرزندانمان را محدود نکرده... و آن ها را به قربانگاه توسعه و پیشرفت سرمایه داران نمی بریم؟؟!!



گلدیاتورپروری نمونه ای از استعدادیابی

- در یونان باستان افراد قدرتمند از طبقه عامه شناسایی می شدند.
- این افراد تحت آموزش های حرفه ای قرار می گرفتند تا جنگجویانی ماهر شوند.
- در نهایت این افراد رو در روی یکدیگر قرار می گرفتند و تا حد مرگ می جنگیدند و اسباب شادی پادشاهان و ثروتمندان را فراهم می کردند!!



گلدیاتورپوری نمونه‌ای از استعدادیابی

- هرچند گلدیاتورها در زمینه استعدادشان توانمند می‌شدند، ولی در واقع قربانی لذت دیگران می‌شدند.



استعدادیابی آسیب‌زا

- استعدادیابی انسان او را نابود می‌کند؛ اگر:
- توجه او را فقط به همان استعداد محدود کنیم و از استعدادهای دیگر غافل کنیم.
- ابعاد وجودی او را محدود کنیم و هویت او را وابسته به همان استعداد کنیم.
- به او بقبولانیم اگر در زمینه استعدادش برطرف کننده نیاز دیگران نباشد، بی هویت است.





ملزومات تخصص گرایی

- ما باید به دانش آموزان بفهمانیم:
- هویت تو این تخصص و این درس خواندن نیست.
- تو موجودی شریف هستی که تمام عالم برای تو آفریده شده است.
- بهای تو تنها بهشت است.
- تو نباید به بهای اندکی خود را فدای سودآوری دیگران کنی.



شهید چمران، یک انسان آزاده

- شهید چمران با وجود استعدادش در زمینه فنی، و تخصص بالایش، خود را محدود به آن تخصص نکرد و وجود حقیقی خود را فراموش نکرد.



در این زمینه، شما را به دیدن این کلیپ دعوت می کنیم؛ البته که همه ی مطالب آن مورد تأیید ما نیست و صرفاً اشاره ای است به درماندگی تئورسین های غربی از روال فعلی مدارس

دانش آموختگان نظام آموزشی ما، پاسخگوی نیازهای خود و جامعه نیستند.

مهارت شناخت و مدیریت جسم، روان، و روح خود را ندارند.

پاسخگوی نیازهای حرفه ای و اقتصادی خود و جامعه نیستند.

با بستر فرهنگی جامعه هماهنگ نیستند و به تعالی فرهنگی کمکی نمیکنند.

تولیدکننده علم و فناوری نیستند، و حداکثر رویکردی حفظی دارند.

مهارت های زندگی و ارتباطات اجتماعی مطلوبی ندارند.

احساس تعلق و امید نسبت به کشور، در آنها پررنگ نیست.



مجموعه این عوامل موجب گسترش باور به «ناکارآمدی نظام آموزشی» در اذهان عموم است.



به کجا می‌رویم؟!

- دیگر داشتن مدرک، تضمین شغل نیست. آن‌کس که می‌داند لزوماً نمی‌تواند.
- ناکارآمدی نظام آموزشی در نگاه عمومی به سرعت در حال گسترش است.
- در آینده‌ای نه چندان دور، مدارس به شکل امروزی توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان را نخواهند داشت. در این شرایط آن‌هایی که پیش‌رو هستند، موفق خواهند بود و حتی باید گفت زنده خواهند ماند.
- مدرسی که تحول را درک می‌کنند و برای آینده برنامه‌ریزی می‌کنند، می‌توانند زنده بمانند.



در مباحث امروز تلاش داشتیم فضایی را برای اندیشیدن به برخی مسایل مهم پیش‌روی نظام آموزشی و مدارس ایجاد کنیم.

دقت بفرمایید که هدف ایجاد این فضا بود و قطعاً می‌توان مسایل مهم دیگری را به این فهرست اضافه کرد.

ان شاء الله فردا الگوی وحدت‌گرا در طراحی برنامه درسی را معرفی خواهیم کرد.

مسائلی که طی دو روز گذشته مطرح شد، بخشی از دغدغه‌ی دلسوزان و صاحب‌نظران حوزه‌ی تعلیم و تربیت است و همه ما به نوعی با آن‌ها سر و کار داریم.

ما هم همانند شما در تلاش هستیم پاسخ‌هایی برای سؤالات و راهکارهایی مناسب و ناظر به مسائل بومی و برای حل آن‌ها ارائه کنیم. ان شاء الله سعی می‌کنیم امروز بخشی از آن‌چه به آن رسیده‌ایم را تقدیم حضور شما کنیم.

بازخوردهای شما بزرگواران، می‌تواند نقش مهمی در تکمیل و بهبود این رویکرد داشته‌باشد.

از طریق شناسه‌ی @mohammadazin پذیرای نظرات شما بزرگواران هستیم.

هدف تعلیم و تربیت

وقتی از تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم با یک سیستم پیچیده روبرو هستیم. یک لایه از این پیچیدگی به پیچیدگی انسان اختصاص دارد، لایه دیگر به پیچیدگی جامعه انسانی، و هدف نظام آموزشی آمادسازی این انسان پیچیده برای زندگی در جامعه انسانی و عالم هستی است.

انسان نیازهای متفاوت، متعدد، و مرتبط با اقتضانات و شرایط موقعیتی دارد. نظام تعلیم و تربیت مطلوب باید چگونه طراحی شود که توانایی پاسخ‌گویی به این نیازها را داشته‌باشد؟

برای طراحی یک سیستم باید یک هدف را به‌عنوان هدف غایی برگزید و سایر اهداف را در قالب اهداف واسطی بیان کرد.



مدل شبیه‌سازی شده شبکه هستی و ارتباط اجزای آن

بر این اساس:



عالم هستی، دارای ساختار بهم پیوسته از پیش تعیین شده و قوانین فوقانی است و البته ساختاری قابل انعطاف که مرز دارد و نظام علت و معلولی بر آن حاکم است.

هر تغییری، تحت قوانین حرکت صورت می‌پذیرد، لذا تمام تغییرات و حرکت‌های انسان، تابع قوانینی فوقانی است و انسان اراده بی‌حد و مرز ندارد.

هر تفسیری از واقعیت قابل پذیرش نیست در عین اینکه واقعیت چندبُعدی و چند لایه است و ممکن است تفسیر و ادراک انسان از یک پدیده مربوط به بُعدی از آن باشد.

نهایت کمال انسان حرکت برای خروج از محدودیت ادراکی و اراده‌ای و اتصال وجودی به نامحدود است. تاثیر پدیده‌ها بر یکدیگر، تاثیر جزء بر جزء نیست بلکه تاثیر کل بر اجزاء و بالعکس است که برآیندی است.

منبع: اندیشکده علوم و معارف اسلامی (isin.ir)



در ادامه بحث امروز، به مدل کلی مراتب تربیت می‌پردازیم.

کسب ادب حضور (در عالمی که محضر خداست)



بر این اساس، عالم محضر خداوند است و هدف غایی تعلیم و تربیت، کسب ادب حضور در محضر باری تعالی است.

انسان پس از طی مراتب تربیت که عبارتند از:

شناخت حقیقت خود،

شناخت یکپارچه و توحیدی از عالم هستی به این معنا که مبدأ و معاد دارد، خالق دارد و تدبیر امور عالم هستی به دست خالق است (ربوبیت خداوند)،



درک حضور و موقعیت خود در عالم هستی،

و شناخت وظیفه و عمل به وظیفه

مرتبه ای از ادب حضور را کسب می کند.

ادب حضور به این معناست که انسان:

حقوق خدا، خود، دیگران و طبیعت را بشناسد،

توانایی عمل برای احقاق این حقوق را کسب کند و عمل خود را در راستای تبدیل وضعیت موجود به مطلوب به کار گیرد.

در ادامه مطالب آقای فرضی، بنده نیز سعی می کنم مبانی نظری مدرسه سراج را در زمینه "طراحی برنامه درسی" به صورت مختصر ارائه دهم:

در ابتدا تعریفی از برنامه درسی ارائه می دهیم:

طراحی برنامه درسی وحدت گرا

- تعریف ما از برنامه درسی :
- فضایی که افراد در آن برای کسب شناخت منسجم از خود، جهان و خدا، و باورمندی و عمل به این شناخت در بستر زندگی فردی و اجتماعی خود کوشش می کنند.

- نکات مورد توجه در این تعریف :
- تعلیم و تربیت مخصوص مکان خاصی چون مدرسه نیست.
- در نظر گرفتن نقش تربی در فرآیند تعلیم و تربیت بسیار مهم است.
- توجه به جنبه های فردی و اجتماعی تربی باید در نظر گرفته شود.

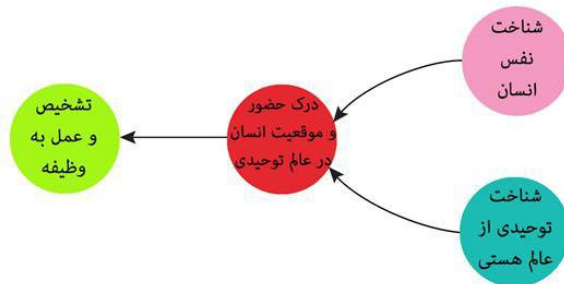


به منظور طراحی برنامه درسی بر مبنای اندیشه دینی، ابتدا "ملزومات تربیتی اسلام" را مورد نظر قرار می دهیم:



ملزومات تربیتی اسلام

• از نظر اسلام، تربیت انسان زمانی کامل است که ۴ پارامتر زیر را دارا باشد :



این ملزومات شامل چهار مورد می باشد:

شناخت انسان نسبت به خود.

شناخت توحیدی انسان نسبت به عالم هستی.

با توجه به این دو شناخت جایگاه انسان در آفرینش ممکن می شود.

و در نهایت از شناخت این جایگاه، تشخیص وظیفه انسان و عمل به آن حاصل می شود.

شاید اینگونه به ذهن آموزش و پرورش ما برسد که: چه خوب!!!! یک چیز جدید پیدا کردیم!!!! این ملزومات تربیتی را یک کتاب کنیم و در کنار

صدها کتاب های درسی دیگر بچه ها قرار دهیم!!!!

ولی در واقع باید این ملزومات به صورت روح در تمام برنامه های تعلیم و تربیت ما وجود داشته باشد.

برای این منظور لازم است "مبانی" لازم برای دست یابی به این ملزومات را به دست آوریم.

چون در زمینه "طراحی برنامه درسی" هستیم، و به حوزه شناختی دین توجه داریم، این مبانی را "مبانی شناختی تربیت اسلامی" می نامیم:



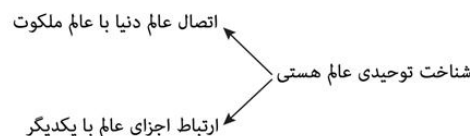
• مبناي ۱ وحدت نفس : توجه به یگانگی نفس انسان و عدم تجزیه انسان به استعدادها و توانمندی های مختلف.

• مبناي ۲ حرکت تدریجی و دائمی نفس : توجه به تغییرات تدریجی ولی دائمی نفس انسان.

• مبناي ۳ مساوقت علم و نفس : جان انسان انباری برای ذخیره اطلاعات نیست. علم آن چیزی است که در جان انسان می نشیند و با آن یگانه می شود.



مبانی شناختی تربیت اسلامی

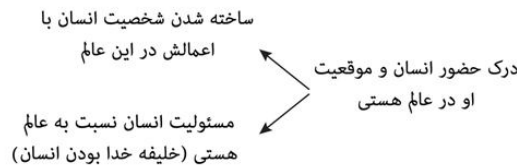


• مبناي ۴ اتصال عالم دنیا با عالم ملکوت : عدم اصالت بخشی به طبیعت و توجه به مدیریت ملکوتی عالم دنیا.

• مبناي ۵ ارتباط اجزای عالم با یکدیگر : توجه به تاثیرگذاری های اجزای عالم بر یکدیگر.



مبانی شناختی تربیت اسلامی



• مبانی ۶ ساخته شدن شخصیت انسان با اعمالش در این عالم : توجه به تاثیر اعمال انسان بر شکل گیری شخصیتش.

• مبانی ۷ مسئولیت انسان نسبت به عالم هستی : انسان به عنوان خلیفه خدا وظیفه تاثیرگذاری، بر مبانی خواست الهی، در این عالم را دارد.



مبانی شناختی تربیت اسلامی



• مبانی ۸ لزوم شناخت شرایط زمانی و مکانی : لزوم شناخت شرایط زندگی انسان.

• مبانی ۹ لزوم فراگیری روش های تاثیرگذار در عالم : تسلط بر فناوری و دیگر توانمندی ها به عنوان روش تاثیرگذاری در عالم.

• مبانی ۱۰ درک صحیح از ارزشمندی فعالیت ها : ارزشمندی اعمال وابسته به الهی بودن آنهاست.



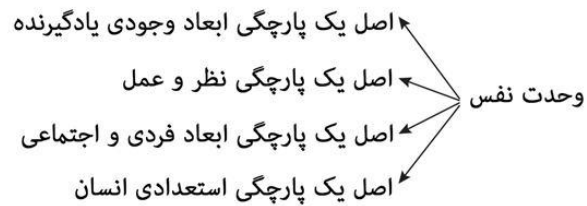
از مجموع چهار مورد ملزومات مورد نظر، ده مبانی تربیتی در حوزه شناختی به دست آمد.

در ادامه باید با توجه به این مبانی، "اصول طراحی برنامه درسی" خود را استخراج نماییم.

همان طور که خواهید دید این اصول چون از اصل اساسی اسلام، به نام توحید منشا گرفته اند، دارای روحیه وحدت گرایی می باشند. بنابراین این اصول را "اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا" می نامیم.



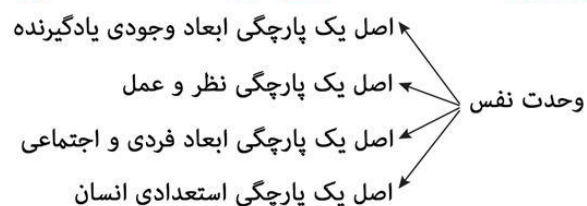
اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا



- ۱ اصل یک پارچگی ابعاد وجودی یادگیرنده : در فرآیند یادگیری، به دور از محدود کردن انسان ها، باید به تمام ابعاد وجودی انسان به صورت هم زمان دقت داشته باشیم.



اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا

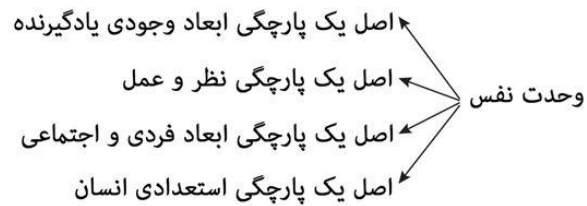


- ۲ اصل یک پارچگی نظر و عمل : یگانه در نظر گرفتن شأن دریافت علوم از عالم مافوق و تصرف در عالم مادون، باعث می شود «باید» هایی در زندگی انسان حاصل شود.
- ولی جدا در نظر گرفتن آنها مسئولیت پذیری انسان را خدشه دار می کند و او را اسیر «امالت فایده» می کند.





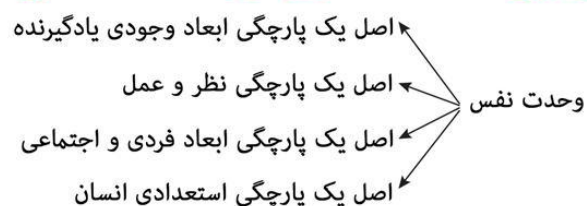
اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا



- ۳ اصل یک پارچگی ابعاد فردی و اجتماعی : در تربیت نباید ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان جدا در نظر گرفته شود و برای هر کدام برنامه جداگانه ای ریخته شود. بلکه انسان باید به عنوان یک کل واحد به صورت همزمان مورد نظر باشد.



اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا



- ۴ اصل یک پارچگی استعدادی انسان : نباید با توجه به استعداد خاصی از فرد، شخصیت آن فرد را در قالب همان استعداد به او شناساند.
- استعدادهای انسان جلوه هایی از نفس واحد هستند و از یکدیگر منفک و مستقل نیستند. و باید به کل نفس انسان به صورت واحد نگریسته شود.





اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا

حرکت تدریجی و دائمی ————— اصل یک پارچگی زندگی و تربیت

- اصل یک پارچگی زندگی و تربیت : برای تربیت انسان نباید او را از زندگی واقعی اش جدا در نظر بگیریم. بلکه باید سعی کنیم او را در همان زندگی اش به صورت تدریجی تغییر دهیم.



اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا

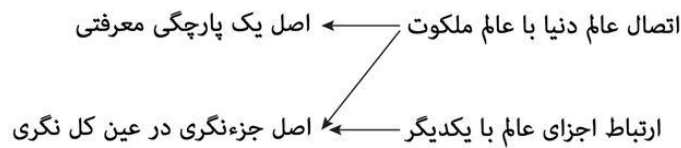
مساوقت علم و نفس ————— اصل یک پارچگی ذهن و عین

- اصل یک پارچی ذهن و عین : یادگیری علوم به معنی انتقال دانش بیرونی به ذهن نیست. بلکه به معنی درک شدن موضوع توسط جان انسان است.





اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا



۷ • اصل یک پارچگی معرفتی : انسان نباید تنها در یک زمینه عالم باشد. بلکه باید معرفت همه جانبه ای نسبت به عالم و نسبت به هر زمینه علمی پیدا کند.

۸ • اصل جزءنگری در عین کل نگری : انسان باید در کنار زمینه تخصصی اش همیشه نگاه کل نگری به تمام عالم داشته باشد.



اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا



۹ • اصل یک پارچگی دین، زندگی و تربیت : نحوه زندگی انسان شخصیت انسان را می سازد. و دین به عنوان مربی انسان ها در تمام زمینه های زندگی نظر مشخصی دارد که باید در تربیت لحاظ شود.

۱۰ • اصل یک پارچگی دنیا و آخرت : آخرت عالمی جدای از این دنیا نیست. بلکه باطن همین دنیاست. پس نباید رشد آخرتی را از رشد دنیایی متفاوت دانست.





اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا

مسئولیت انسان نسبت
به عالم هستی ← اصل مسئولیت پذیری انسان

- ۱۱ اصل مسئولیت پذیری انسان : انسان به عنوان خلیفه خدا باید خود را در برابر تمام عالم مسئول بداند.



اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا

لزوم شناخت شرایط
زمانی و مکانی ← اصل شناخت و درک شرایط

- ۱۲ اصل شناخت و درک شرایط : انسان باید بتواند شرایط زمان و مکان خود را به طور کامل درک کند، تا بتواند تاثیرگذاری مناسبی داشته باشد.





اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا

لزوم فراگیری روش های
تاثیرگذاری در عالم ← اصل توان مندی

۱۳ • اصل توان مندی : انسان موحد باید توان مند باشد تا بتواند در عالم تاثیرگذاری مناسب داشته باشد.



اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا

درک صحیح از ارزشمندی فعالیت ها ← اصل یک پارچگی ارزشی

۱۴ • اصل یک پارچگی ارزشی : انسان نباید ارزش مندی دنیایی را در مقابل ارزش مندی آخرتی بداند. بلکه باید ارزش اعمال را به نیت الهی آنها بداند.



از مجموع ۱۰ "مبنای شناختی تربیت اسلامی"، ۱۴ اصل تربیتی برنامه درسی یافته و با توجه به روحیه وحدت گرای آنها، این اصول را "اصول طراحی برنامه درسی وحدت گرا" نامیدیم.

این اصول باید در طراحی برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته، تا به تولید برنامه درسی مورد تایید دین بیانجامد.

البته ناگفته نماند، این اصول با توجه به جنبه های شناختی دین به دست آمده اند.

هم اکنون تیم پژوهشی مدرسه سراج به سرپرستی آقای آذین مشغول استخراج اصول تربیتی، در زمینه های دیگر دینی (غیر از زمینه شناختی) می باشند.

ان شا اله در آینده نه چندان دور، جمع بندی کامل تری از مبانی نظری الگوی مدرسه سراج در خدمت دوستان قرار می گیرد.



طی روزهای گذشته با مطالبی پیرامون مبانی نظری الگوی مدرسه وحدت گرا توسط کارگروه پژوهشی مجتمع آموزشی سراج ارایه شد.

ضمن تشکر از آقایان فرضی و پورندیم، امروز فضای گروه به ارایه نظرات همکاران اختصاص داده شده.

عزیزان می توانند نقطه نظرات و نکات تکمیلی خود را تا پایان امشب در گروه درج نمایند.

به یاری خدا فردا را به ارایه الگوی مساله محور ارزش مدار به عنوان یکی از فرآیندهای اصلی آموزش در مدرسه وحدت گرا و برخی نکات اجرای دیگر اختصاص خواهیم داد.

در روز جمعه نیز چند نمونه از فعالیت های طراحی شده با توجه به چهارچوب الگوی برنامه درسی وحدت گرا ارایه خواهد شد.

در ادامه معرفی الگوی مدرسه سراج، ارائه کوتاهی برای بیان یک انتقاد به نظام آموزش و پرورش و ارائه یک راه حل تقدیم دوستان می کنیم:

بسم الله الرحمن الرحيم



ابتدا به طرح مساله می پردازیم:



آموزش و پرورش بیت الغزل مسایل بعد از انقلاب است.

رهبر فرزانه انقلاب



آموزش بی ارزش!

محمد آزین

موسسه مطالعات راهبردی تعلیم و تربیت برهان

telegram.me/mohammadazin





یک مساله کلیدی

پنهان

در بطن نظام آموزشی وجود دارد.



**جدایی زندگی، دین، و آموزش؛
یک انتخاب اجباری**





آیا امکان یک پارچه سازی این سه مسیر وجود دارد؟

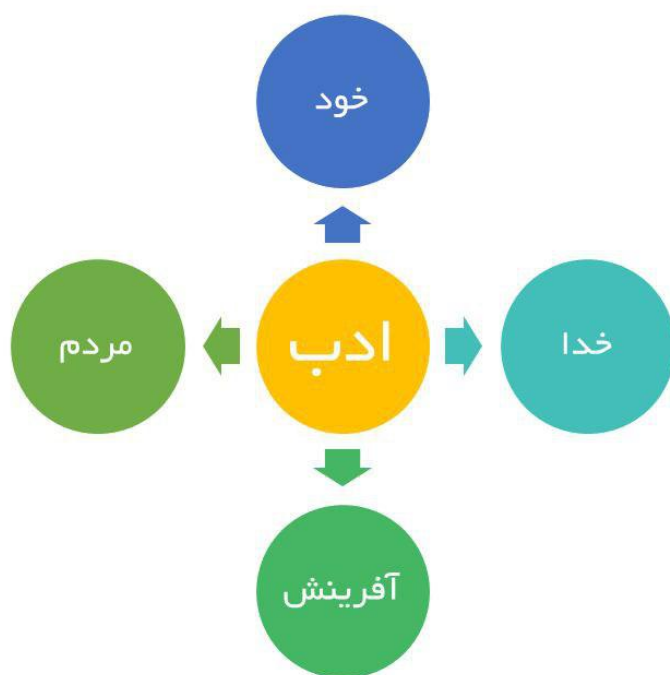
پژوهش دانش آموزی بستری برای یک راه حل



حال با نگاهی دوباره به تربیت اسلامی سعی می کنیم به دنبال راه حلی باشیم:

نگاهی دوباره به تربیت اسلامی





بازتعریف فرآیند آموزش

فرآیند آموزش، وظیفه شکل دهی به همه جنبه‌های زندگی فرد به شکل وحدت‌گرا در مسیر مطلوب دین را برعهده دارد. بدین ترتیب سه مفهوم دین، زندگی و آموزش در قالب مفاهیمی هم‌بسته یک کل یکپارچه را تشکیل می‌دهند که اجزایش قابل تفکیک از یک‌دیگر نیست.



فرآیند فعالیت پژوهش دانش آموزی



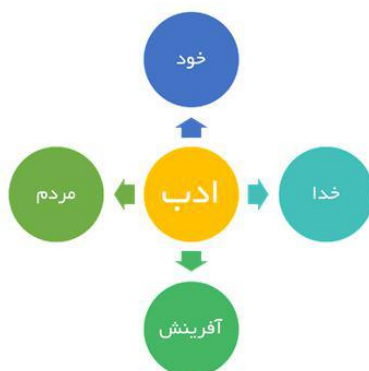


طرح مساله



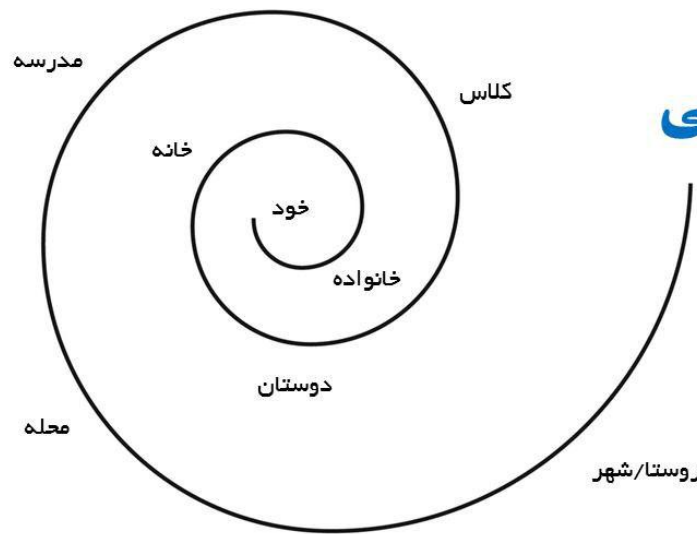
کشف مساله توسط دانش آموزان

مساله را خود دانش آموز از نسبت میان
موقعیت خود و اجزاء جهان هستی کشف می کند.





نزدیک بودن موقعیت مساله به زندگی دانش آموز



الگوی حلزونی



ابتنای مساله بر زیر ساخت ارزشی

مساله از وجود **فاصله** میان آن چه **هست** و آن چه **باید** باشد متولد می شود.

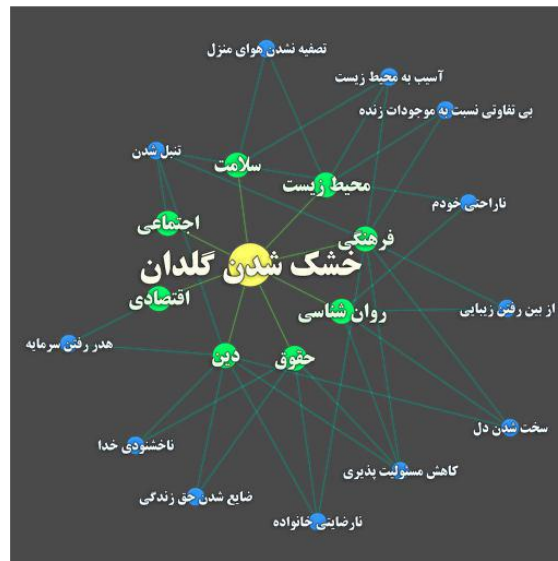
بایدها را، **حقها** تعیین می کنند.



به عنوان مثالی از روش حل مساله ای که بیان شد، یکی از مثال هایی که دانش آموزان مورد تحلیل و بررسی قرار دادند را ارائه می دهیم:

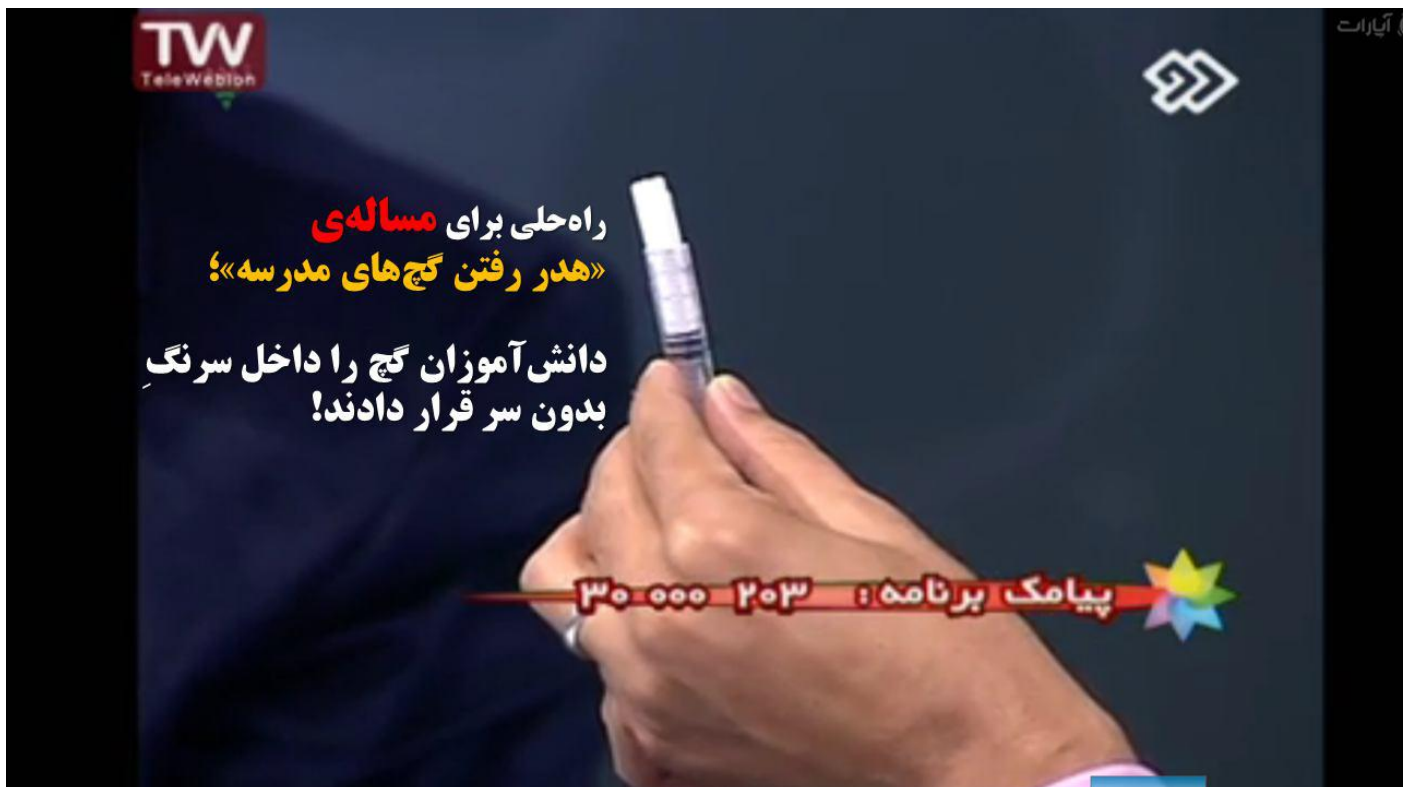


رویکرد جامع‌نگر به‌جای محدود شدن به رویکرد رشته‌ای



یکی از مسائل دیگری که توسط دانش آموزان مورد بررسی قرار گرفت و حل شد، مساله گچ هایی بود که خیلی کوچک شده اند و دیگر قابل استفاده نیستند و اسراف می شوند.

و اینک اختراع بچه ها برای حل این مشکل ساده:



در ادامه عنوان هایی از مسائل مورد توجه قرار گرفته توسط دوستان را ملاحظه نمایید:



نمونه مسایل طرح شده توسط دانش آموزان

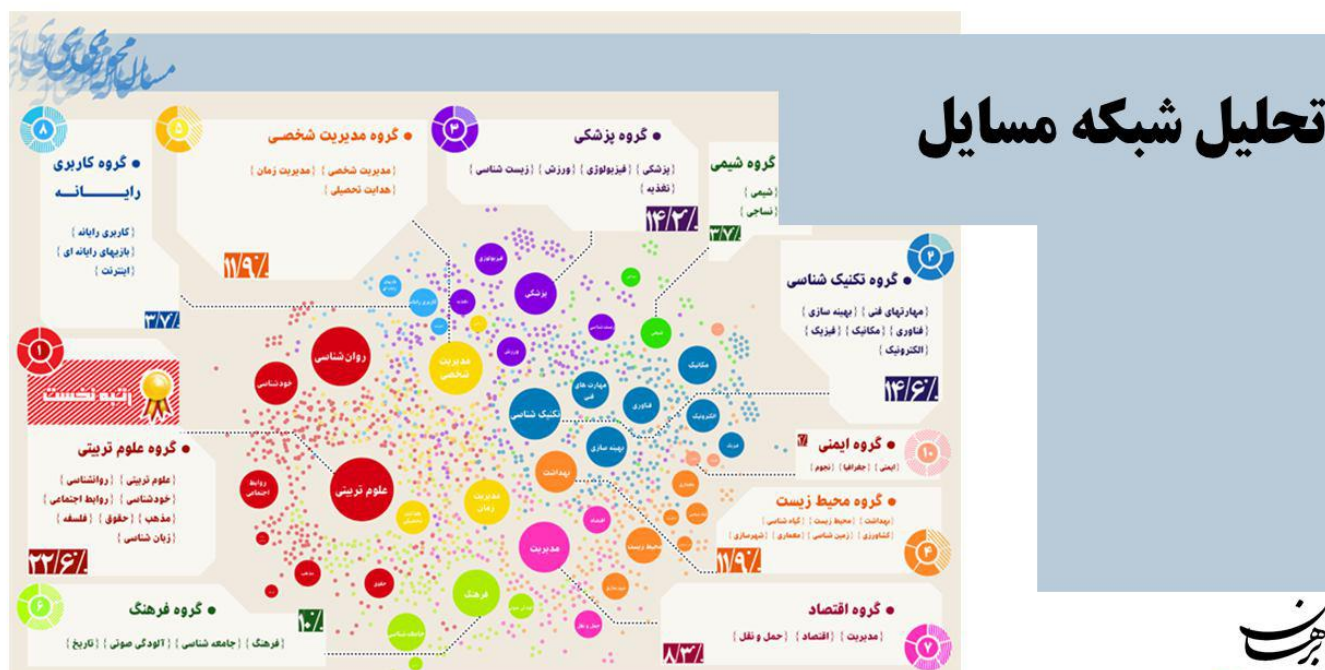
هدر رفتن گچ‌های مدرسه
 به موقع انجام ندادن تکالیف
 دل‌کندن از بازی رایانه‌ای
 بوی بد پا در نمازخانه
 هدر رفتن کاغذ در مدرسه
 هدر رفتن آب در منزل
 کثیف بودن آموزگاه (کلاس) درس
 سختی‌های رفت و آمد بچه‌ها به مدرسه
 سر و صدای زیاد در کتابخانه
 سردی اتاق خواب
 مشکل با خواهر و برادر کوچکتر
 خشک شدن گل‌ها در گلدان‌های خانه
 تنبلی در نماز خواندن
 خجالت کشیدن از گرفتن حق



borhanedui
 telegram.me/
 borhan_edu

در اسلاید بعدی جمع‌بندی‌ای از مسائلی که توسط دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته است، ارائه می‌دهیم.

شاید به نظر نرسد، ولی مسائل مورد توجه دانش‌آموزان، بر خلاف تصور ما، از ارزشمندی بالایی برخوردار است.



جمع‌بندی نهایی:



borhanedui
 telegram.me/
 borhan_edu



پژوهش مساله محور ارزش مدار یعنی

قرار گرفتن دانش آموز در فضایی که بتواند
حق‌های اساسی هستی را **بشناسد** و برای احقاق
آن‌ها اقدام به **کشف** و **حل مساله** کند.



خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَعَ :. بهترین علم آن است که فایده داشته باشد.

پیامبر اعظم (ص)





آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه های ما و فلسفه ما نیست، بنای کار بر آن فلسفه ای نبود که ما امروز دنبال آن فلسفه هستیم.

رهبر فرزانه انقلاب



به امید رشد و موفقیت رویکردهای نوین و ارزشی در زمینه تعلیم و تربیت...

سوالات:

۱. نگاه الگو آموزشی به انگیزه‌های بیرونی و درونی دانش آموزان چیست؟ اصالت را به کدام می‌دهد؟
۲. در حال حاضر در مدرسه غلبه با کدام یک از این دو نوع انگیزش است؟ چرا؟
۳. آیا نوع انگیزه‌های بیرونی که در الگوی آموزشی سراج وجود دارد ناخواسته ساختاری را ایجاد نمی‌کند که دانش آموزان در رقابت با یکدیگر قرار بگیرند؟
- درخواستم این است که در پاسخ به سوال سه، وضعیت موجود و مطلوب الگوی آموزشی سراج از هم تفکیک شود. منظورم از وضعیت موجود، چیزی است که از این الگو هم اکنون در حال اجراست و وضعیت مطلوب نگاه آرمانی است که در مسیر دستیابی به آن در حال حرکت هستیم.
۴. رقابت با دیگران در این الگوی آموزشی امری مقبول است یا مطرود؟ رقابت با خویشتن چه جایگاهی دارد؟
۵. در این الگو، برای رشد انگیزه‌های درونی از چه راهکارهای دیگری استفاده می‌شود؟
۶. ممکن است درباره این نسبت و تفاوتش بسته به تفاوت‌های فردی مثالی بیاورید؟

۱. هدف زمینه‌سازی برای رشد انگیزه‌های درونی است.

ولی این بدان معنی نیست که از انگیزش‌های بیرونی استفاده نشود. انگیزش‌های بیرونی به عنوان وسیله و در حد استارت زدن و در کنار ابزارهای دیگر با توجه به شرایط دانش آموز مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ تا جایی که در آن مورد انگیزه‌های درونی اش فعال شود.

۲. با توجه به اهمیت تفاوت‌های فردی، نسبت استفاده از این دو نوع انگیزش برای شاگردان مختلف متفاوت است.

بحث پیرامون پرسش شماره ۳:



دادن انگیزه بیرونی الزاما به رقابت شاگردان منجر نمی‌شود. برای نمونه زمانی که شاگردی به صورت خصوصی تقدیر می‌کنید، و دیگر شاگردان از این تقدیر آگاهی نمی‌یابند، زمینه‌ای برای مقایسه و رقابت بین فردی ایجاد نمی‌شود. به‌ویژه زمانی که نوع نگاه غیر مقایسه‌ای مربی برای شاگردان جا افتاده باشد.

۱- مربی ممکن است در عمل اشتباه کند و در مواردی به نوعی آشکار یا پنهان شاگردان را با یکدیگر مقایسه کند.

۲- مقایسه کردن می‌تواند در شرایطی به تشخیص مربی به عنوان یک ابزار در جهت اهداف تربیتی به کار گرفته شود. لذا مقایسه را به عنوان یک ابزار مطلقاً نفی نمی‌کنیم؛ مانند بسیاری ابزارهای دیگر که در مدرسه به تناسب شرایط و با سنجیدن میزان تاثیرگذاری در دستیابی به هدف مورد استفاده قرار می‌گیرند. مساله عدم تضعیف انگیزه‌های درونی شاگردان است.

در مورد پرسش شماره ۴:

رقابت به خودی خود مطرود یا مقبول نیست. بلکه اگر به فرد در راستای مدیریت خویش تن کمکی کند می‌تواند برای همان شخص مطلوب باشد و اگر تضعف‌کننده مدیریت او بر نفس خویش باشد مطرود است.

و این پاسخ در بسیاری موارد دیگر در حوزه تعلیم و تربیت مصداق دارد. روش‌های تربیتی عموماً اقتضایی هستند و در عین حالی که باید فضای عمومی را با انتخاب‌هایی که برای عموم افراد زمینه‌ساز رشد است طراحی و مدیریت کرد، باید در مورد افراد و شرایط موقعیتی هم امکان انعطاف را قرار داد. و رقابت با خویش تن که نزدیک به مفاهیمی چون محاسبه و مراقبه است، جایگاه محوری دارد. زیرا انسان را در مدیریت خویش تن توان‌مندتر می‌سازد. در پاسخ سوال ۵ توجه شما را به بیانی از حضرت آیت الله حائری شیرازی جلب می‌کنم:

خدا رحمت کند مادرم را. یکی از راه‌های تربیت وی این بود که هرگاه از ما خلاقی می‌دید، دیگر کار به ما نمی‌داد؛ یعنی ظرف شستن و دوخت و دوز و مانند آنها را از ما سلب می‌کرد و از این طریق کار را پیش ما ارزشمند می‌ساخت. امروزه بسیاری از ما دقیقاً کار را بالعکس می‌کنیم؛ یعنی وقتی بچه خلاقی کرد او را به کار و می‌دارند یا اگر اذیت کرد، کار او را دو برابر می‌کنند. در نتیجه، چنین بچه‌ای کار را تنبیه تلقی می‌کند، در حالیکه ما بیکاری را به عنوان تنبیه تلقی می‌کردیم.



ادامه پاسخ پرسش شماره ۵:

تلاش ما بر این است که همه افراد حاضر در مدرسه اعم از شاگردان، مربیان، کادر، و حتی والدین اهل کار و تلاش کردن باشند. نظافت، کارهای فنی، ساخت و ساز و غیره باید تا جای ممکن توسط خود افراد ساکن در مدرسه انجام شود. البته رسیدن به وضعیت مطلوب در این زمینه نیازمند زمان و تلاش است.

زمانی که شاگردی کاری را درست انجام می‌دهد، به او کار بزرگتری می‌سپاریم، و اگر لازم شد در شرایطی شاگردی تنبیه شود، امکان انجام یک کار ارزشمند از او گرفته می‌شود، مثلاً امروز نمی‌تواند در نظافت کلاس شرکت کند.



در حالی که گاه در خانواده ها عکس این اتفاق می افتد! به عنوان تشویق کارهای بی ارزشی مثل تلویزیون دیدن، بازی کردن با رایانه، یا خرید وسایل الکترونیکی در نظر گرفته می شود، و به عنوان تنبیه کارهای با ارزش مثل نظافت، یا قرار دادن زباله در کوچه!

در پاسخ به پرسش شماره ۶:

شاگردی را تصور کنید که به علت تنبلی در زمان ورزش کم کاری می کند. مربی ممکن است با نیروهای بیرونی مثل تشویق، یا تنبیه و تندی با وی، او را هل بدهد. ولی باید بقیه مسیر را طوری تنظیم کند که کم کم انگیزه های درونی شاگرد از جهت معرفتی و گرایشی تقویت گردد.

برای ایجاد تنوع در فضای گروه و کمی فاصله گرفتن از بحث های نظری توجه عزیزان را به خروجی های بخشی از برنامه درسی مدرسه جلب می نمایم.

باتوجه به پایان احداث راکتور پرورش کرم کمپوست □ توسط بچه ها، لطفا هرچه پسماند و زباله قابل تجزیه دارید، روزانه آماده کنید تا بچه ها بیاورند.

پسماند های مناسب:

پسماند سبزیجات، سبب زمینی و هویج (غیر پیاز)

پسماند میوه ها مثل پوست هندوانه

(به جز لیموترش و پرتقال)

کاغذ

ته مانده غذاهای بدون چربی (یا کم چرب)

مثل برنج و نان

اگر برای خاک اره و کود حیوانی آشنا دارید لطفا اطلاع دهید!!





نوع فعالیت:

پرورش کرم کمپوست

هدف:

۱-انجام کار گروهی

۲-تلاش برای نگهداری و پرورش وبه عبارتی رسیدگی روزانه به یک موجود زنده

۳-آشنایی باکرم ها از هچ شدن تخم ها تا کرم بالغ

۴-آشنایی با یک روش بازیافت مواد، دور ریختنی

شیوه اجرا:

از هماهنگی برای خرید تا نگهداری و رسیدگی روزانه بعهده خود دانش آموزان بود به مرور زمان دانش آموزان با مشکلات مختلف از قبیل زیاد شدن مگس و یا بوی بد رو برو شدند و آن را حل کردند

بازخورد:نیمی از دانش آموزان نتوانستند روزانه رسیدگی کنندو کرم های آنها دچار مشکل شدند ولی نیمی دیگر از دانش آموزان به خوبی رسیدگی کردند برای آنها پروژه بزرگتر اقتصادی تعریف شد.



نوع فعالیت:

ساخت بوفه

هدف:

۱- تقویت خلاقیت دانش آموزان،

۲- اهمیت وارزش مواد دورریختنی

۳- ایجاد بستری مناسب برای تجربه کردن مسولیت های بوفه از خرید کالا تا تعیین قیمت گذاری و فروش اجناس،

۴- تهیه و تامین میان وعده سالم

شیوه اجرا:



به مدت ۲ ماه دانش آموزان پاکت های آبمیوه را جمع آوری کردند سپس در یک هفته به ساختن بوفه پرداختند

بازخورد:

دانش آموزان بشدت علاقه مند به بوفه ساخته شده توسط خودشان هستند و همچنین بسیار مشتاق برای مشارکت در مسولیت های بوفه می باشند، دانش آموزان پایه دوم تا پنجم و همچنین تمامی مربیان استقبال گرمی از این حرکت نشان دادند.



تجربه مربی

نوع فعالیت:

پرورش سبزیجات و گیاهان زینتی

هدف:



افزایش اعتماد به نفس آشنای بامراحل رشد گیاهان افزایش صبر و حوصله بچه ها از طریق فعالیت های تکراری روزانه (آبیاری گیاهان)

حل مسئله ومشکلات پرورش گیاهان زیبا. اشاره به صفت زیبایی وخالقیت خداوند. فهم علاقه خالق به مخلوق

شیوه اجرا:

علاقه مندان به این فعالیت، دو دو گروه تقسیم شدند در طی دوهفته باغچه پرورش گیاه توسط خود بچه ها راه اندازی شد پس از کاشت بذر و کود دهی طبق یک برنامه مشخص به رسیدگی وآبیاری روزانه می پردازند

بازخورد:

علی رغم سختی های ساخت باغچه بچه ها دوهفته بشدت کار کردند تفاوت رنگ و شکل واندازه بذر ها وهمچنین جونه های آن برای یچه ها بسیار جذاب بود پس از جوانه زدن بزرها علاقه دانش آموزان به این فعالیت چند برابر شد.





عزیزان می‌توانند تعدادی از اصول بیان شده در بخش مبانی نظری را در نحوه طراحی برنامه درسی کشف کنند.

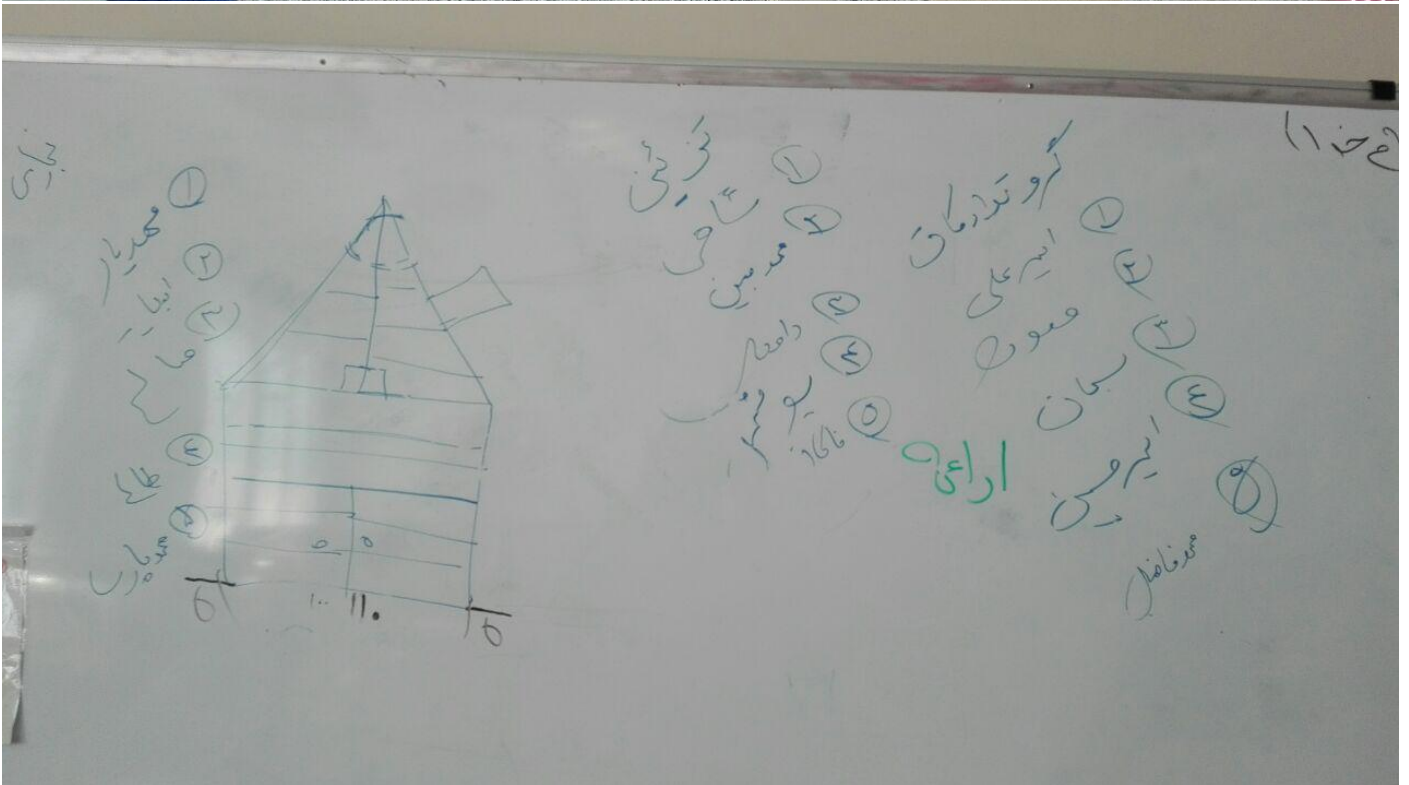
عزیزان

نکته مهمی در حوزه تربیت به‌ویژه در حوزه مدرسه‌داری وجود دارد،

ایجاد دوگانه‌هایی در حوزه مدرسه‌داری مانند آزادی و اطاعت‌پذیری، سنتی و مدرن، اکتشافی و حفظی، معلم محور و دانش‌آموز محور، کاغذی و الکترونیکی، هوشمند و غیر هوشمند، خشک بودن و نرم بودن و زوج‌های بسیاری از این دست عموماً اصالت ذاتی ندارند و تصمیم برای بهره‌گرفتن یا بهره‌نگرفتن از آن‌ها در نسبت با هدف تربیت مشخص می‌شود.

بنابراین اینکه بگوییم مدرسه ما این طور است یا آن طور و این را مطلق بیان کنیم معمولاً صحیح نیست. ما باید تلاش مهم‌ترین و کلان‌ترین‌های لایه‌های ساختار تربیت را درک کرده و هدف بگیریم و مطابق این شناخت کلان و شناخت شرایط و جزئیات به اقتضا عمل صحیح‌تر را انجام دهیم.

برنامه ساخت کتابخانه توسط بچه‌های چهارم، چند هفته پیش بین بچه‌ها بحث شد که ما می‌خواهیم کتابخانه شخصی برای کلاس خودمون داشته باشیم، براهمین خودشون بحث کردن و به این نتیجه رسیدند که خودشون بسازند بعد هم شکل‌های مختلف بحث شد و سرانجام تصمیم گرفتند که طبق فصل اشکال هندسی که در درس ریاضی یاد گرفتند کتابخانه رو اونجوری بسازند. برا همین در سه گروه نجاری، تدارکات و تزینات شروع به کار کرده‌اند و انشالله قراچه اشکال مربع، مستطیل، دوزنقه مثلث متساوی الاضلاع و قائم الزاویه درست کنند....



























بچه‌ها در یک شب سرد اردویی* □ با زحمت فراوان و در زمانی طولانی شام خود را آماده و بعد تزیین کردند. شامی که نمی‌دانستند باید از آن دل بکنند

شاگردان پایه هفتم باید شام اردو رو خودشان آماده می‌کردند. آتش روشن کردن در تاریکی و سرما و آماده کردن و کباب کردن مرغها ۲ تا ۳ ساعت زمان برد.

سرما و گرسنگی به بچه‌ها فشار آورده بود؛ یکی از بچه‌ها می‌گفت حاضرم این مرغها را خام‌خام بخورم! □

بالاخره جوجه کباب‌های پخته و نیم‌پخته را سر سفره آوردند. حالا مرحله دوم آماده‌سازی شام شروع می‌شد. از هر گروه خواسته شد غذای خود را تزیین کند. □

وقتی بچه‌ها آماده صرف غذا شدند، از گروه‌ها خواسته شد غذایی که آماده کرده‌اند را به گروه کناری خود بدهند. □

برای بچه‌ها دل‌کندن از دست‌پختی که با زحمت فراوان آماده کرده بودند خیلی سخت بود؛ ولی باید این کار را انجام می‌دادند.

این فعالیت تمرینی بود برای تقویت کنترل بچه‌ها بر تمایلات فعال کوتاه مدت‌شان.



«وَأَنْ لِّسَ لِلْإِنْسَانِ إِكْلًا مَّا سَعَىٰ»

اولین اردوی اولین دوره‌ی دانش‌آموزان مجتمع سراج، قطعاً همه‌ی اون چیزی بود که از یه اردو انتظار داریم، بهترین اردویی که دیدیم تا حالا... جای همه‌ی رفقا خالی



باورش سخت نیست، بلکه غیرممکنه که بیست دانش آموز هفتم بعد از چهار ساعت تلاش، غذایی که خودشان درست کردند رو بخورند... بلکه نخورند!

اردو یعنی همین، یعنی تلاش و کوشش با رفقا برای یه رسیدن به یه هدف مشترک.

دو روز اردو، حدود دوازده بازی پرهیجان، بدون فوتبال و والیبال و بازی رایانه‌ای و بازی فکری و ... یعنی دقیقا اون چیزی که همه فکر می‌کنند نمی‌شه، ایولله.

ضمن تشکر از جناب آقای نیرو و دوستان مجتمع صلحا که امکان ارائه بخشی از الگوی مدرسه وحدت گرا را در این گروه فراهم کردند، با ذکر نکاتی گزارش را به پایان می‌بریم.

تعریفی که از برنامه درسی ارائه کردیم به این شرح است:

برنامه درسی فضایی است که افراد در آن برای کسب شناخت منجسم از خود، جهان و خدا، و باورمندی و عمل به وظیفه خود طبق این شناخت در بستر زندگی فردی و اجتماعی خود تلاش می‌کنند.

تمام زمان‌ها و مکان‌ها برای انسان محل رشد است.

پیامبر گرامی ما(ص) می‌فرمایند: اطلبوا العلم من المهد الی الحد

و خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: فاینما تولوا فثم وجه ا...

برنامه درسی نباید هویت دانش آموزان را تکه‌تکه کند؛

تکه‌تکه کردن هویت واحد انسان منجر به از خود بیگانگی او

و اسارت‌شان در چنگال نیروهای نفسانی و شیطانی درونی و بیرونی می‌شود.

اینکه دانش آموزان مسیری تخصصی برای تحصیل و شغل خود را در پیش بگیرند اشکالی ندارد

ولی اگر هویت آن‌ها مسخ شد و به رشته و شغل و تفریح و کارهای منفک از یکدیگر و منفک از اصل هویت او منجر شد راه را اشتباه رفته‌ایم.

دانش آموزان می‌توانند در یک برنامه درسی برای نمونه برنامه درسی کشاورزی،

به عنوان یک انسان آزاده -نه دانش آموزی که با فشار معلم و نمره و والدین درس‌ها را حفظ می‌کند- با حفظ وحدت هویتی خود با یک پدیده واحد به نام گیاه ارتباط برقرار کند.

او شناختی منسجم از این گیاه به دست می‌آورد که شیمی و فیزیک و زیست‌شناسی و دینی و ریاضی و ادبیاتش از یکدیگر گسیخته نیست.

در این موقعیت گرایش‌های خوب او مانند حس زیبایی‌طلبی، حس مسئولیت‌پذیری، حس شکرگزاری و حس گرایش به سمت آفریننده این مخلوق درگیر می‌شوند. -و نه احساس تنفر از درس و اجبار نظام آموزشی-

سپس او دست به عمل می‌زند تا این گیاه را پرورش دهد و از او محافظت کند. و در عین حال به این مهم توجه دارد که خداست که گیاه را می‌رویاند و از آن حفاظت می‌کند و او تنها نقش واسطه‌ای دارد.



انتم تزرعونه ام نحن الزارعون؟

در نهایت از ثمره این گیاه می‌خورد و ثمره صبر و تلاش خود را می‌چشد و خدا را برای این نعمت و لطف سپاس می‌گوید.

دقت بفرمایید که در این فرآیند شاگرد با یک موقعیت مشخص و منسجم و معنادار و هدفمند روبرو می‌شود و با هویت منسجم و واحد خویش با این موقعیت منسجم و واحد مواجه می‌شود. در این مسیر او در بستر زندگی خود به صورت یک پارچه ابعاد معرفتی، گرایشی و عملی خویش را به کار می‌گیرد و در اثر آن رشد می‌کند.

اگر مدارس امروزی فاصله زیادی با این نگاه دارند، نباید گفت این رویکردها در مدرسه قابل اجرا نیست و به اصطلاح فضایی است!

قرار نیست برای دکمه‌ای که پیدا کرده‌ایم کت بدوزیم و تا ابد به دنبال دوختن این کت باشیم.

بلکه گاه لازم است در مبانی نظری نهادهای زاینده مدرنیته و اهداف آن‌ها به دقت بنگریم و در قالب حرکات گفتمانی طرحی نو دراندازیم.

همان‌گونه که غریبان با اندیشیدن و طراحی دقیق و حساب شده، ساختارهای مورد نظرشان را مبتنی بر اهداف و مبانی نظری خود طراحی و بر اقصی نقاط عالم حاکم می‌نمایند!

و مقدمه این حرکت کفر به طاغوت است...

آنچه از غرب بعنوان علوم انسانی آمده کم نیست.
 زلزله ای که آمده کوچک نیست.
 دیواری که بر سر ما فرو ریخته بسیار سنگین است.
 ما جامعه زلزله زده ای هستیم از نظر فرهنگی مخصوصاً از نظر جامعه شناسی و شناخت.
 ما باید از زیر این سنگ ها بیرون بیانیم تا بتوانیم قرآن را بفهمیم و قرآن را بپذیریم.
 ما باید به خیلی از طاغوت‌ها کفر بورزیم تا زمینه ایمان به الله در ما تقویت شود: «...فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ»
 ما باید به طاغوت فرهنگی، کفر پیدا کنیم
 فرهنگی که می‌خواهد به ما شک در فطرت،
 شک در ذاتیات انسان،
 شک در آگاهی انسان،
 شک در عقل،
 شک در جهت یابی را تزریق کند، کفر بورزیم.
 کفر به این طاغوت مقدمه ایمان به خداست است.

(برگرفته از کتاب اخلاق اسلامی – آیت الله حائری شیرازی)

پایان گزارش مدرسه وحدت گرا

التماس دعا و طلب حلالیت



از یک دانا و دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، تدوین
گزارشی چنین عالمانه و فیلسوفانه کاملاً مورد انتظار بوده است.
حضور چنین مدارس و همکارانی در آموزش و پرورش مایه مباهات
و امیدواری است. مدارس و همکارانی که در چندین هفته گذشته با
برخی از آنها آشنا شدیم.



ضمن تشکر مجدد از جناب آقای آزین و همکاران
گرانقدرشان، توفیق و سربلندی هرچه بیشتر این عزیزان
را در مجموعه فخیم سراج خواستاریم.